



سیاست کیفری امام علی (ع)؛ تعادل میان سزادهی و بازپروری

مهدی خاقانی اصفهانی *

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۰۱

چکیده

سیاست جنایی، دانشی نسبتاً نو در علوم جنایی است که به مطالعه مدیریت پیشگیری و پاسخ‌گذاری کیفری و شبه کیفری (جایگزین‌های کیفرهای سخت) به منظور مهار انحرافات و جرایم، قبل و بعد وقوع، با اتخاذ مجموعه‌ای از تدابیر پیشگیرانه، سزاگرا، ترساننده، رنج‌آفرین، تأدیبی، جبرانی و بازپرورانه می‌پردازد. الگوی سیاست کیفری امام علی (ع)، از طریق دسته‌بندی موضوعی آموزه‌های آن حضرت (ع) در دوره زعامت بر جامعه مسلمین (حقوق کیفری رسمی حکومت علوی) و پیش از آن (امر به معروف و نهی از منکر غیرحاکمیتی علوی) در کنترل معاصی و واکنش به مجرمان، امکان استخراج دال‌های گفتمانی در قلمرو تدابیر مذکور را به نحوی فراهم می‌آورد که می‌توان رهیافت‌های عدالت کیفری علوی را استخراج و صورت‌بندی مفهومی نمود. نوشتار حاضر به روش کیفی و در چارچوب حقوق کیفری اسلامی، جلوه‌هایی از سیاست کیفری امام علی (ع) در اوامر و قضاوت‌های ایشان را با این فرضیه تحلیل می‌کند که سزادهی در اجرای کیفرهای ثابت حدی، و بازپروری در اجرای تعزیر، در اوج تعادل بوده و یک سیاست کیفری متوازن و جامع با رعایت مصالح و اهداف متنوع فردی و جمعی، ظرفیت اصلاح بسیاری از اشکالات نظام مدرن حقوق کیفری جمهوری اسلامی ایران و کشورهای اسلامی الگوبردار از حقوق کیفری ایران را دارا می‌باشد.

کلیدواژگان: سیاست کیفری متوازن، فقه جزایی، سیاست جنایی ایران، بازپروری، سزادهی

*. استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت)؛

khaghani@samt.ac.ir



از آنجا که امام علی (ع) تنها امام همامی است که پس از پیامبر اکرم (ص) حکومت تشکیل داد و توانست اندیشه‌های اسلامی را به منصه اجرا گذارد، بررسی شیوه کشورداری ایشان در اجرایی کردن عدالت کیفری و سیاست جنایی، برای ما در رسیدن به یک سیاست جنایی کارآ و مطلوب بهترین راهنماست. اصلاح محاکم، بنیانگذاری سیستم دادرسی بر مبنای عدل، سامان بخشیدن به محکمه قضا، وضع و رواج اصول ناظر بر محاکمات به صورت علمی و تدوین قوانین محاکمات از جمله ویژگی‌های مهم عهد امام علی (ع) می‌باشد.

در مورد نسبت سه‌گانه مفاهیم عدالت، قدرت و نظام سیاسی، پژوهش‌ها (رضایی و میراحمدی، ۱۳۹۷) نشان می‌دهد امام علی (ع) ضمن تبیین نسبت عدالت و قدرت، تأثیر آنها را بر تداوم نظام سیاسی توضیح داده و از این رهگذر، رهیافتی جهت رهایی از خودکامگی سیاسی و مجالی جهت اعتلای سیاست دادگرانه در ذهن و عمل خود به بروز رسانده است؛ امری که در کنشگری قضایی حضرت (ع) به مثابه یک حکمران-قاضی، همسویی سطوح حقوق عمومی و حقوق جنایی و علوم سیاسی را در گفتمان سیاست جنایی علوی نشان می‌دهد.

از حیث بررسی پیشینه تحقیق، شایسته ذکر است زرگوش‌نسب و عباسی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای پیرامون عوامل بزهکاری از منظر نهج‌البلاغه و راهکارهای علوی مهار جرم، که در شماره ۲۱ پژوهشنامه علوی منتشر شده است، در تلاش برای تبیین عناصری از سیاست جنایی پیشگیرانه مورد ابتکار امام علی (ع) بوده و راهکارهای مقابله با جرایم را شامل اقداماتی از جمله ساماندهی استعدادهای اجتماعی در راستای تقویت اجتماعی، جلب اعتماد ملی، ارائه نقشه راه در راستای اهداف آرمانی، ارتقای کرامت انسان و اخلاق اجتماعی، تشویق به رعایت قوانین و نظم و احکام فقهی، پرهیز از امتیازدهی و ویژه-خواری، رعایت حقوق متقابل امام و امت، اعمال نظارت، تقویت تدابیر ارتباط دینی، ارائه راهکارهای فرهنگی در راستای به‌کارگیری منابع قدرت و مبارزه با مفاسد اقتصادی، تحقق عدالت اجتماعی و تشکیل نظام سیاسی مردم‌سالار بر مبنای التزام دینی دانسته‌اند.

میرخلیلی و حسنی (۱۳۹۷) در پژوهشی پیرامون سیاست جنایی متمایز در سنت امام علی (ع) بر پایه تحلیل گفتمان عهدنامه مالک اشتر، که در شماره ۵۸ فصلنامه حقوق اسلامی به زیور طبع آراسته شده، پس از بحث و بررسی، در مورد آنکه در استفاده از عهدنامه مالک در فهم و کسب معرفت دینی، رغبت شایسته مشهود نیست، سبب اصلی بی‌میلی را اتصاف نهج‌البلاغه و عهدنامه به ضعف سند و نقل کلام امام علی (ع) به شیوه رجالی مرسله ابراز داشته و با تحلیل اعتبار عهدنامه و پاسخ‌گویی به شبهات دلّالی، سندی و رجالی فراروی آن مدعی شده‌اند که نامه



۵۳ امام علی (ع) در جهت تدوین سیاست جنایی متمایز از سند متقن و قابل اعتماد در استنباط فقهی تدوین گردیده است. چنانکه پیداست، موضوع این مقاله، اثبات فقدان اشکالات سندی و دلالتی عهدنامه مالک بوده و نه تبیین سیاست جنایی علوی بر اساس عهدنامه مالک.

در پرتو رهیافت علوی به عدالت جنایی، مسأله مقاله در جستجوی یک الگوی عدالت جنایی علوی در نظام سیاست‌گذاری جنایی جمهوری اسلامی ایران است. منظور از این رهیافت و الگوی مبتنی بر آن، بازتعریف عدالت جنایی با معیار آموزه‌های اسلامی (با تأکید بر اندیشه‌های امام علی (ع) نظریه عدالت جنایی علوی) است. همچنین، منظور از این الگو، رهیافتی است که با داشتن ویژگی‌های مدل‌های معاصر عدالت جنایی، رویکرد اسلامی - علوی را به‌منزله معیار خود در بر دارد. «بی‌تردید عدالت، در نظام قضایی اسلام برخاسته از آموزه‌های قرآن، روایات و سیره عملی معصومین (ع) خصوصاً امیرالمؤمنین علی (ع) است که شالوده و شاکله نظام قضایی اسلام را تشکیل می‌دهد» (موسوی بجنوردی و روحانی، ۱۳۹۱: ۱۹) و فضائل اخلاقی و صفات خاص مورد نیاز در شخصیت و رفتار قاضی اسلامی، از منابع اسلامی قابل استخراج و مدل‌سازی است. تدقیق در نظام مقدس علوی با توجه به بهره‌مندی از مبانی استوار دینی و اعتقادی اسلام و قرارگیری امام معصوم در صدر آن، نشان می‌دهد که «رهیافت‌های اتخاذ شده توسط امام علی (ع) در این زمینه از جامعیت بی‌بدیلی برخوردار است. حضرت (ع) در برخی موارد به هشدار، نصیحت و اقدامات کنشی بسنده نموده و در سایر موارد به توبیخ و مجازات قاطعانه اقدام نموده است» (صمدوند و طالب‌زاده، ۱۴۰۰: ۶۹)؛ یعنی بین سزادهی و بازپروری در کیفرهای پیشنهادی یا تعیینی خود تعادل تحسین‌برانگیزی برقرار کرده است.

امام علی (ع) با اتخاذ راهبردهایی همچون رسیدگی سریع و قاطع به جرایم مفسدان و تعیین و اجرای کیفرهای سخت برای مکافات‌کردن ایشان و بازدارندگی از تکرار این جرایم توسط کارگزاران حکومت علوی و تشفی خاطر مردم بزه‌دیده از فساد برخی والیان و نیز با اجرای مجازات‌های متقن و بی‌ارفاق بر مرتکبان جرایم مخلّ امنیت اعتقادی مردم و جرایم مخلّ امنیت جامعه اسلامی، سیاست کیفری سزاگرا نسب به این گروه‌های خطرناک از بزهکاران را اتخاذ نمودند؛ اما در مورد مجرمان کم‌خطر و مرتکبان جرایم تعزیری خفیف، حداکثر ارفاق جهت اصلاح و تربیت و بازپروری را اجرا فرمودند. همچنین ایشان با «پیشگیری، نظارت و راهکارهایی از قبیل ترویج فرهنگ قناعت و ساده‌زیستی، انتخاب افراد شایسته و متخصص برای مناصب حکومتی، شفافیت در عملکرد حکومت، نظارت دقیق و همه‌جانبه بر عملکرد مدیران اقتصادی، توزیع عادلانه



ثروت و امکانات و نظارت مستقیم و غیرمستقیم بر کارگزاران» (جعفری، ۱۳۹۲: ۶۳) از همه جرایم به حد استطاعت و همراهی مجریان تحت زعامت خود، پیشگیری نمودند.

۱. مفهوم‌شناسی

«سزاگرایی»، «بازپروری‌مداری»، «سیاست کیفری» و «سیاست جنایی»، از اهم اصطلاحات کلیدی مورد اتکای نوشتار حاضر است که در این بخش در قالب مفهوم‌شناسی و مبانی نظری پژوهش، شرح و تنویر می‌گردد.

نظریه «سزاگرایی»، نظم اخلاقی را اصل قرار داده و بزهکار را به‌دلیل به مخاطره انداختن آن، مستحق کیفر می‌داند. در سزاگرایی تقریباً اعتقاد بر این است که هدف اصلی مجازات‌های قانونی چیزی غیر از حمایت از حقوق و منافع مردم می‌باشد. «وظیفه‌گرایی به نفس عمل می‌نگرد و درستی و نادرستی اعمال را فارغ از پیامدهای احتمالی‌شان، داوری کرده و در صدور احکام هنجاری نظر به غایت ندارد. توجیه کیفر در این سنت بر پایه تقدم حق بر خیر، ایده استحقاق و با نگاه به گذشته و عنصر مکافات صورت می‌گیرد» (رستمی، ۱۳۹۵: ۱۳۱). در مقابل، غایت‌گرایی بر نتیجه استوار است و گزاره‌های تکلیفی را با عنایت به پیامد رفتار آدمی تجویز می‌کند.

«بازپروری بزهکاران»، آموزه‌ای نسبتاً نو در حقوق جزا و جرم‌شناسی است. جرم‌شناسان، اصلاح و درمان بزهکار را اجرای یک برنامه مداوای روانی - اخلاقی، با رعایت شرایط لازم برای تأمین امنیت جامعه، به‌منظور بهبود امکانات سازش‌پذیری اجتماعی او می‌دانند. تا مدت‌ها، در پدیده‌های مجرمانه، تنها به رابطه مستقیم میان نتایج زیان‌بار جرم و عمل موجد آن توجه می‌شد و رابطه عمل مجرمانه و نتایج حاصل از آن به‌مثابه رابطه علی و معلولی یا اثر و مؤثر نشان داده می‌شد. اما مشخص است که برخی اقدامات انجام شده در اصلاح و تربیت مجرمان، هر چند به‌طور محدود و اندک، مؤثر واقع شده و از این تجربیات می‌توان به‌عنوان روشی ثابت برای بازداشتن بسیاری از مجرمان سابقه‌دار از تکرار جرم استفاده کرد. به همین سبب، دولت‌ها با شناسایی روش‌های مؤثر و تصویب قانون، در صدد اجرایی‌کردن چنین تدابیری برآمدند. معمولاً این روش‌ها شامل دو بخش است: بخش مربوط به قبل از ارتکاب جرم، خاصه درباره مجرمان خطرناک و سابقه‌دار، مانند اجبار آنها به درمان‌های پزشکی یا اقامت اجباری در محل معین یا جلوگیری از رفت و آمدشان به برخی اماکن و بخش پس از وقوع جرم در مدت تحمل مجازات. در مجموع، می‌توان گفت اصلاح و تربیت مجرم بر این قاعده کلی استوار است که احتمال بروز یک رفتار به عواقب آن بستگی دارد و اگر بروز رفتاری پاداشی در پی داشته باشد، احتمال اصلاح رفتار بیشتر است تا در نظر گرفتن مجازات برای آن عمل.



«سیاست کیفری» از مفهوم مرتبطی به نام «سیاست جنایی» متمایز و مضیق‌تر از آن است. اصطلاح سیاست جنایی معادل واژه فرانسوی «Politique Criminelle» و واژه انگلیسی «Criminal Policy» است و مفهوم وسیع‌تری در مقایسه با سیاست کیفری دارد (دل‌ماس‌مارتی، ۱۴۰۲: ۲۹). قدر مشترک تعاریف مدرن از سیاست جنایی آن است این علم ناظر بر مطالعه فعالیتی است که دولت در زمینه پیشگیری و سرکوبی جرایم بسط و گسترش می‌دهد. سیاست جنایی، علاوه بر قواعد حقوقی، شامل عملکرد نهادهای گوناگونی که اجرای قواعد مزبور را بر عهده دارند نیز می‌گردد. این نهادها عبارتند از: پلیس، دادسرا، دادگاه‌ها، اداره زندان‌ها، اداره آموزش و تربیت مراقبتی مجرمان، نهادهای پیشگیری بزهکاری و اداره‌های خدمات اجتماعی. اصطلاح سیاست جنایی از نظر لغوی به معنای تدبیر و تدبیر و چاره‌اندیشی برای دیده مجرمانه که در قلمرو سیاست جنایی، شامل کجروی و بزهکاری می‌شود، آمده است. سیاست جنایی، در واقع، مدیریت پیشگیری و پاسخ‌گذاری جزایی و پیراجزایی (اجتماعی، فرهنگی، تربیتی و ...) برای کنترل پیشینی و پسینی انحرافات و جرائم از طریق جلب مشارکت مردم در سطوح عدالت کیفری با توسل به تدابیر اصلاحی و تأدیبی و جبرانی و تریبی است.

فرایند شکل‌گیری سیاست کیفری در یک کشور از پدیده‌های ساختار ساز وسیعی مانند اقتصاد، قرائت‌ها از مذهب، عقلانیت، فرایند تمدن‌سازی و بازسازی تمدن و ... تأثیر می‌پذیرد. زندان، نظام مراقبت، اعدام و امثال آن محصول عوامل متعدد تاریخی و اجتماعی هستند؛ عواملی که نیروهای واقعی اما پنهان شکل‌گیری نهاد کیفر محسوب می‌شوند. مطالعه سیاست کیفری ایران در لایه سیاست کیفری تقنینی نشان می‌دهد که در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، درجه-بندی شدن مجازات‌های تعزیری به هشت درجه (ماده ۱۹)، پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی (ماده ۲۰)، توسعه مصادیق مجازات‌های تبعی و تکمیلی (ماده ۲۳)، توسعه موارد تخفیف مجازات و معافیت از آن و خصوصاً توسعه جهات تخفیف (مواد ۳۷ و ۳۸)، تعویق صدور حکم (ماده ۴۰)، تعلیق اجرای مجازات (ماده ۴۶)، نظام نیمه آزادی (ماده ۵۶)، مجازات‌های جایگزین حبس به شکل دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی (ماده ۶۴)، مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان (ماده ۸۸)، توبه مجرم (ماده ۱۱۴)، اعمال قاعده درأ (ماده ۱۲۰)، همه و همه، جلوه‌هایی از تحول در اهداف و انواع کیفرها در حقوق جزای موضوعه ایران است که در مسیر کاهش تمرکز بر سزاکرایی و افزایش رغبت سیاست کیفری ایران به بازپروری به عنوان هدف مهم حقوق کیفری تحقق یافته است.



بی‌تردید، افزون بر تأثیر دستاوردهای غربی کیفرگری ارفاقی و مجازات‌های جایگزین حبس که الهام‌بخش قانونگذار ایرانی بوده، ذخیره تمدنی سیاست کیفری اسلامی، به‌ویژه آموزه‌های فقه جزایی علوی، بستر فکری و مبنای پذیرش این دستاوردهای کیفری غربی قرار گرفته است.

۲. مبانی انگاره «تعادل میان اهداف مجازات‌ها» در سیاست کیفری امام علی (ع)

توجه به آموزه‌های حقوق کیفری اسلامی در روایات معصومین به‌ویژه امام علی (ع) که تشکیل حکومت دادند، کمک می‌کند تا تقویت «فضای گفتمانی» در بین نخبگان حوزوی و دانشگاهی کشور به منظور بازتئوریزه کردن انقلاب اسلامی از طریق تولید تخصص‌های جدید (از جمله، سیاست جنایی اسلامی- ایرانی: بومی)، سنگ بنای پروژه تحول در علوم انسانی و بومی‌سازی دانش قرار گیرد. برای اصلاح وضع کنون سیاست جنایی باید هم روش کنونی الهام‌گیری از رویکردهای جرم‌شناختی غربی مورد نقد -به‌ویژه از جهت معرفت‌شناسی- قرار گیرد و هم محتوای این رویکردهای همیشه در حال گذار. چرا که آموزه‌های جرم‌شناسی از مهم‌ترین عناصر راهنمای مدیران سیاستگذاری جنایی هستند.

در خصوص محرمات فاقد کیفر معین، قاعده «التعزیر لکل حرام» قاعده‌ای مشهور در بین فقهاست که بر طبق آن هر عمل حرامی قابل تعزیر است. تمسک به اطلاق این قاعده در عرصه اجرایی باعث گسترش نامحدود سیاست‌های سرکوبگرانه می‌گردد. روش مواجهه امام علی (ع) در برابر محرمات فاقد کیفر معین، با توجه به اطلاق قاعده «التعزیر لکل حرام» نشان می‌دهد که تدابیر ایشان در مقابل محرمات، اختصاص به کیفر ندارد. «نحوه مواجهه امیرالمؤمنین (ع) در مقابل محرمات در دو قالب تدابیر بازدارنده و تدابیر واکنشی قابل تبیین است. هر کدام از این دو دسته، طیف گسترده‌ای از تدابیر را شامل می‌شود و کیفر تنها یکی از اقسام تدابیر واکنشی بوده است» (جاویدی و همکاران، ۱۴۰۱: ۹۱). در سیره امام علی (ع) کارکرد کیفر برای مقابله با محرمات به شرط وجود ضرورت، نفی نمی‌شود، اما اعتماد کامل بر آن برای دفع محرمات و استفاده از آن در هر موردی بدون توجه به سایر تدابیر و تمهیدات، محل نقد و تأمل جدی قرار دارد.

با توجه به این رابطه دو سویه امتداد حیات سیاسی با عملکرد کنشگران قدرت و رفتار عادلانه نظام سیاسی در زندگی اجتماعی، و نظر به این مهم که چرخش یک‌جانبه قدرت، عموماً تمایل به فساد سیاسی را تشدید می‌کند و قدرت سیاسی ناعادلانه می‌تواند بر زوال و عدم تداوم سیاسی عادلانه تأثیر بگذارد (رضایی و میراحمدی، ۱۳۹۷: ۱۰۷)، اما نیک می‌دانیم که امام علی (ع) ضمن تبیین نسبت عدالت و قدرت، تأثیر آنها را بر تداوم نظام سیاسی توضیح داده و به این



توازن و اعتدال واقعا ملتزم بوده و در رفتار با مجرمان نیز میان سزادهی و بازپروری، با رعایت اصل فردی کردن مجازات با شخصیت مجرم اهتمام ویژه داشته و از این طریق راهی برای برون رفت از خشونت و استبداد سیاسی و امکانی برای امتداد سیاسی عادلانه، در اندیشه و رفتار خود در قبل و بعد از زعامت سیاسی جامعه مسلمانان در عصر حیات خود گشوده است.

در مورد استتابة (درخواست از بزهکار به توبه کردن) و نقش آن در سیاست کیفری بازپرورانه، شایان ذکر است که «استتابة به عنوان یک وظیفه حاکمیتی، مبتنی بر عناصر انسان شناختی، سیاسی و اجتماعی، اخلاقی و جزایی است و دارای کارکردهای متنوعی همانند کیفرزدایی، اصلاحی و کرامت محوری است که در مجموع با آموزه های علوم جنایی نوین نیز همخوانی و تطابق دارد» (اسلامی نیا و همکاران، ۱۴۰۲: ۶۱). افزون بر این، استتابة در سیاست جنایی امام علی (ع) در جرایم مالی، عقیدتی و بدون بزه دیده اجرایی گردیده است.

امام علی (ع) در خصوص قرار دادن آزادی به عنوانی اصلی می فرماید: «و لاتکن عبد غیرک و قد جعلک الله حراً». لذا به خوبی می توان دریافت که در شرع، اصل بر آزادی اعمال و افعال انسانی است؛ چنانکه قاعده «قبح عقاب بلا بیان» - از قواعد مسلم نزد فقیهان و اصولیان - هم مؤید این دیدگاه است که ممنوعیت از انجام فعلی باید از قبل به مکلف اعلام گردد و در غیر این صورت، سرزنش و عقاب او قبیح می باشد. اگر هدف، تخلّق به اخلاق الهی است، راه آن اخلاق است و آزادی نیز برای انجام عمل اخلاقی است. از این رو، آزادی متعالیه در چارچوب اخلاق تعریف می شود.

یکی از مبانی جمهوری اسلامی، اجتهاد مستمر از فقه های جامع الشرایط است. مسائل استنباطی، تفریعی، تخریجی و برداشتی امروزه مورد توجه نیست. همچنین روایت «الساحر یقتل» مربوط به زمانی بوده که سحر با معجزه نبی (ص) مخلوط و موجب التباس می شده، در دورانی که تعداد مسلمانان کم بوده و فرد تازه مسلمان ممکن بوده به خاطر مشاهده سحر، از اسلام برگردند. لذا گفته شده که «إقامة الحدود إلى الإمام» (موکول به نظر امام و صلاح دید امام معصوم (ع)) است و گفته نشده «إقامة الحدود على الإمام». تقسیم بندی حد و تعزیر یک تقسیم بندی حکومتی است. اگر حد ثابت است چرا قانونگذار در تبصره ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) مقرر داشته که قاضی می تواند مجازات تکمیلی علاوه بر حکم به حد، به مرتکب جرم حدی اعمال کند! مجازات شرب خمر، چهل ضربه بوده و احساس شده که کافی و بازدارنده نیست. از این رو جلسه ای مقرر شد و حضرت علی (ع) این قانون را به هشتاد ضربه افزایش داد. اغلب مذاهب اهل سنت حدّ



شرب خمر را چهل ضربه می‌دانند.^۱ اساساً «حد» به معنای «منع» است؛ یعنی چیزی وضع شده که آدمها را باز بدارد؛ پس امری مدیریتی و تدبیری است. «در مواردی که تعزیرات منصوص دانسته شده، حکم امام (ع) مختص همان مورد بوده و اگر مورد دیگری پیش بیاید همچنان مشمول اصل «التعزیر بما یراه الحاكم» است» (نویهار، ۱۴۰۳: ۵۸۳). در سیاست کیفری امام علی (ع)، دوره زمانی، شدت و میزان برخی کجروی‌ها، نقش شرایط زمینه‌ای را برای اجرای انواع مجازات‌ها داشته و پدیده مورد نظر در اینجا «کنترل انحراف اجتماعی از مسیر کاربست مجازات» بوده است (فولادی و محسنی تبریزی، ۱۳۹۴: ۴۰۲). همچنین به دلیل ضرورت رعایت قاعده تناسب مجازات با نوع کجروی باید توجه داشت که استراتژی این تناسب متفاوت است؛ به گونه‌ای که درباره برخی از کجروی‌ها مجازات‌های بدنی، در مواردی مجازات سلب صلاحیت و همینطور مجازات روحی و روانی، مجازات اقتصادی و حتی مجازاتی در شکل سلب حیات از برخی کجروان مطرح است.

حضرت (ع) به مثابه الگوی کامل عدالت و دادگری با قضاوت‌های بی‌نظیر خود، قواعد و موازین فراوانی در حکمت و فقه اسلام پی‌ریزی نمود که استنادپذیری معاصر در احکام قضایی کنونی نیز دارد. از جمله اصولی که امام علی (ع) در رسیدگی و صدور حکم به آنها توصیه نمود: بحث استقلال قضایی، برطرف کردن نیازهای مالی قاضی، مساوات و برابری در تمام شئون دادرسی، برگزاری علنی دادرسی، تناسب کیفر (ر.ک: نهج/البلاغه، نامه ۴۷ و ۵۳)، حق دفاع و بهره‌مندی از وکیل می‌باشد؛ همچنین ایشان هنگام اجرای حکم، اصول انسانی را در مورد محکومین رعایت می‌نمود (همان، خطبه اول: ۷؛ خطبه ۱۲۷: ۱۲۵؛ نامه ۴۷: ۳۲۱). امام (ع) در امور کیفری تا حد ممکن قوانین را به نفع متهم تفسیر می‌کرد و به اصولی اخلاقی و حقوقی چون رعایت اصل قانونی بودن مجازات و مساوات در مجازات‌ها پای‌بند بود (نهج/البلاغه، نامه ۴۱: ۳۱۴).

۱. حد شرب در صدر اسلام به صورت تدریجی و در چند مرحله برای ابد حرام شد. برخی مذاهب مجازات آن را چهل ضربه دانسته و تشدید آن را تا هشتاد ضربه و از باب تعزیر جایز دانسته‌اند، اما برخی دیگر از مذاهب کیفر آن را هشتاد ضربه شلاق عنوان کرده‌اند. فقهای مذاهب در باب مجازات تکرار جرائم حدی اختلاف دارند. امامیه جز اختلاف در دفعات تکرار شرب خمر برای حکم به کیفر اعدام، اختلاف دیگری ندارند. اما در فقه غیرامامیه، اختلاف بسیار بیشتر و حتی تا انکار این کیفر است. عمر بن خطاب گاهی شارب را تبعید می‌کرد و گاهی سرش را می‌تراشید و گاهی هشتاد ضربه جلد می‌کرد؛ حال آنکه طبق برخی منابع اهل سنت، رسول خدا (ص) و ابوبکر فقط چهل ضربه حد می‌زدند (ابن قیم الجوزیه، تهذیب السنن، ۲۰۰۷، ۲/ ۲۹۷). برای مطالعه بیشتر درباره اختلافات گسترده مذاهب اسلامی در حد شرب خمر ر.ک: پارسا، فرزاد، «بازخوانی نصوص و ادله تجویز کیفر اعدام در جرم شرب خمر در فقه مذاهب خمس»، فصلنامه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دوره ۵۴، ش ۲، ۱۴۰۰.



در سیره امام علی (ع) عناصر و سازه‌هایی از سیاستگذاری عمومی همچون برنامه‌ریزی، سازماندهی، هماهنگی، تصمیم‌گیری، گزارش‌دهی بودجه‌ریزی، کنترل، مدیریت منابع و روابط انسانی به‌جَد وجود داشته (خنیف، ۱۳۸۴: ۱۰۷) و بر اساس نوآوری‌های قضایی منحصر به فرد امام علی (ع) -از جمله «زیادی جلد در شرب خمر، قطع نکردن دست سارق در مرتبه سوم سرقت، جمع بین جلد و رجم‌زانی، جدا کردن متهمان در جنایت واحد» (به نقل از: رایجیان اصلی و خاقانی اصفهانی، ۱۴۰۰: ۱۵۹)- تلاش برای مدرن‌سازی و مدل‌سازی الگوی اسلامی- ایرانی قضاوت بر اساس آموزه‌های اسلامی که در صدر آن منطق و ابداع قضایی امام علی (ع) است، اگرچه سخت اما شدنی به نظر می‌رسد.

۳. جلوه‌های تعادل میان سزاگرایی و اصلاح و تربیت مجرمان در سیاست کیفری علوی

توجه و تأکید بر عنصر خیرخواهی، ویژگی دیگر جرم‌انگاری در کلام امام علی (ع) است. در خطبه ۳۴ نهج‌البلاغه دو نوع مسئولیت برای مردم و امام ترسیم شده که وجه مشترکی دارد که از آن به «صیحه» تعبیر شده که نخستین حق امت بر امام (ع) است: «ای مردم، مرا بر شما و شما را بر من حقی واجب شده است، حق شما بر من، آن که از خیرخواهی شما دریغ نورزم». مفاد این خطبه، در خطبه ۱۰۴ نیز دیده می‌شود: «همانا بر امام واجب نیست جز آنچه را که خدا امر فرماید، و آن، کوتاهی نکردن در پند و نصیحت و تلاش در خیرخواهی...». نمونه بارز این خیرخواهی در فقه جزایی حکومت امام علی (ع) وجود دارد که با توجه به کرامت انسان و در راستای سعادت جامعه بشری ترسیم شده است و در آن تلاش شده تا مداخلات حکومت تحت عنوان جرم‌انگاری کمتر موجب نقض آزادی عمل افراد شود و در امور غیرضروری ورود پیدا نکند. به‌عبارتی، قانونگذار در حیطه خیرخواهی به محدودکردن آزادی افراد تحت عنوان جرم‌انگاری بپردازد، نه از روی استبداد.

بازپروری به مثابه یکی از اهداف مجازات‌ها، پس از افزایش اقبال جهانی به نظریه عدالت کیفری ترمیمی که بر اصلاح و درمان و جبران بجای سزاگرایی و مکافات‌محوری تأکید دارد، اهمیت فزاینده‌ای در مجامع علمی دانش حقوق کیفری و سیاست جنایی و نیز در آراء قضایی قضات کیفری بسیاری کشورها از جمله ایران یافت. «هرچند لفظ عدالت ترمیمی در هیچ یک از فرمایش‌های حضرت (ع) به‌کار نرفته لیکن ایشان در ۱۴۰۰ سال پیش اهمیت عدالت ترمیمی را مورد توجه خاص و ویژه قرار داده و علاوه بر اجرای آن همواره مردم و نیز آیندگان را به اهتمام ویژه نسبت به گرایش به عدالت ترمیمی دعوت نموده است. تأسیساتی از قبیل نهاد قاضی تحکیم، بزه‌پوشی، اصلاح ذات‌البین، شرمساری، ماهیت جبرانی دیه و پرداخت آن از بیت‌المال و میانجی‌گری



محوریت گفتمان علوی عدالت ترمیمی را تشکیل می‌دهند» (عطاشنه و کیانی، ۱۳۹۸: ۹۹) و این نشانگر ترجیح امام علی (ع) به ارفاق و ترمیمی و اصلاح و تربیت بزهکاران کم‌خطر و عدم سماجت این امام همام بر کیفرهای سختگیرانه در حوزه جرایم تعزیری است و بشارت یک نظام کارآمد و کم‌هزینه در امر خطیر مدیریت جرم در اجتماع، از اندیشه و سیره علوی قابل استنباط است.

«اموری همچون اهتمام به کرامت انسانی، تأمین حقوق بزه‌دیده به عنوان تکلیف الهی، توجه به بزه‌دیده به عنوان وظیفه اجتماعی و حمایت از بزه‌دیدگان مظلوم به مثابه یک ارزش، مبانی و واقعیاتی است که مواجهه موثر با بزه‌دیده را ضروری می‌سازد» (حاجی ده‌آبادی و عسکری، ۱۴۰۳: ۲۲۷). از سوی دیگر، این مواجهه، در سیاست کیفری علوی بر اساس بایسته‌ها و اصولی همچون عدالت‌محوری، احسان‌مداری، مددکاری و ظلم‌ستیزی صورت می‌گرفته و تعادل و موازنه مثال-زدنی و الگوگونه‌ای را به نمایش گذاشته است.

درباره جایگاه کرامت انسانی در سیاست جنایی و به‌طور خاص جرم‌انگاری، رفتارها خوانشی کرامت‌مند و عادلانه از سیاست جنایی ارائه می‌شود که مجموعه‌ای از حقوق غیرقابل سلب و انتقال مبتنی بر عدالت، محور و میزان سایر مؤلفه‌های سیاست جنایی است و بین آنها تعادل برقرار می‌کند (گلی و توجهی، ۱۴۰۲: ۳۵۹). در پرتو این نگرش به انسان و حیات انسانی متخلق به اخلاق، حکومت علوی از جرم‌انگاری به منظور مهار رفتارهای نابهنجار و ایجاد نظم و امنیت مطلوب اجتماعی از اصولی چون اصل ضرورت یا اصل حداقل بودن حقوق کیفری بهره برده و تنها نسبت به شدیدترین انواع تعدیات نسبت به مصالح و منافع فردی و اجتماعی از مداخله کیفری استفاده نموده و نسبت به سایر رفتارهای نابهنجار تدابیر و اقدامات غیرکیفری (ارشادی تربیتی) را به کار برده است. همچنین حضرت (ع) در نامه به مالک اشتر، گسترش رفاه و آبادانی را «هدف اول» حکومت اسلامی شمرده و بی‌توجهی به آن را عامل نابودی حکومت دانسته‌اند.

قلمرو تدابیر کیفری در سیاست جنایی امام علی (ع) به‌ویژه در قلمرو تعزیرات بسیار محدود است. به‌کارگیری ابزارهای کیفری با توجه به قاعده «لأسهل ثم الأسهل» می‌باشد و اولویت با ابزارهایی است که از شدت کمتری برخوردار است، تا آنجا که از منظر امام (ع) گاه صرف اعلام نمودن بزه به مرتکب آن، یا در هم کشیدن چهره (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۴۳) عقوبت اوست. از دیگر جلوه‌های آسان‌گیری در مجازات در تدابیر کیفری امام (ع) می‌توان به اجرای مجازات‌های مختلف بر فعل واحد در شرایط و اوضاع گوناگون (همان، ۶۶) و آزاد گذاشتن مجرم در انتخاب نوع مجازات (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۰۱) اشاره کرد؛ چرا که احکام جزایی متناسب با بزه و شخصیت بزهکار و اوضاع و احوال مرتکب و فعل ارتكابی یا انتخاب مجرم با توجه به روحیات و وضع جسمانی خود یا حتی



عذاب وجدان او از ارتکاب بزه، همگی تحمل مجازات را بر بزهکار آسان تر می کند و چه بسا آثار تربیتی و اصلاحی که از اهداف مجازات هاست، بهتر برآورده شود. آنچه که در آموزه های علی (ع) مشهود است، جواز مقابله به مثل و نفی هرگونه زیاده روی در اعمال مجازات است که با مفاد آیات قرآن هماهنگ و منسجم می باشد.

همچنین نامه امام علی (ع) به مالک اشتر (نهج البلاغه، خطبه ۵۳) آکنده از آموزه های عدالت ترمیمی است. برای نمونه، ایشان خطاب به مالک اشتر می فرماید: «در قلب خود را از رحمت و محبت و لطف به مردم پر کن و در مورد آنان مانند حیوان درنده ای که خوردن اشیاء را غنیمت می شمارد، نباش. پس آنان دو گروه اند: یا برادران دینی تو اند و یا هم نوعان تو در خلقت اند. گناهی از ایشان سر می زند یا علت هایی بر آنان عارض می شود یا خواسته یا ناخواسته خطایی بر دستشان می رود. به خطایشان منکر و از گناهشان درگذر؛ چنانکه دوست داری خدا بر تو ببخشد و گناهت را عفو فرماید». پرواضح است مؤلفه های بخشش، شرم، مهرورزی به جای سزادهی - که از عناصر اصلی عدالت جنایی ترمیمی هستند - در این خطبه موج می زند. همچنین شایان ذکر است که صرف نظر از حکم شرعی مجازات شخص سابّ البی و سابّ الإمام، سیره عملی امامان معصوم (ع) در برخورد اخلاقی کریمانه با افرادی که از روی جهل به ایشان توهین کرده و از سر جهل با شخص حقیقی آنان در خصومت واقع شده اند (ر.ک: مرویان و سلطانی، ۱۳۹۸)، نشانگر غلبه واضح رویکرد ترمیمی بر رویکرد سزاگرایی در سیاست کیفری معصومین، به ویژه امام علی (ع) است.

به رغم آنکه سیاست کیفری امام (ع) در رویکرد اصلاحی بر عفو و عدم ملامت مجرمان و پرهیز از برجسب زنی استوار بوده، در رویکرد تنبیهی نیز به قطعیت مجازات ها و اجرای علنی و قاطعیت و شدت کیفر جرایم یقه سفیدها تأکید داشتند. همچنین مطالعات (فولادی و محسنی تبریزی، ۱۳۹۴) نشانگر راهکارهای سیاست کیفری امام علی (ع) از قبیل مجازات بدنی، مجازات روانی، مجازات سلب صلاحیت، مجازات اقتصادی و حتی اعمال مجازات سلب حیات از افراد هنجارشکن مطابق با برخی جرم ها و با در نظر گرفتن شرایط به کارگیری هر یک از مجازات ها، در راستای برخورد قاطع و کنترل بنیاد نسبت به جرایم خطرناک است.

شیوه های مجازات والیان مجرم از سوی امیرمؤمنان (ع) بسیار سرسختانه و در عین حال اثربخش بوده است. امام (ع) در مواردی اقدام به شلاق زدن مجرم می کرد و همه اموالی را که در اختیار گرفته بود، به بیت المال باز می گرداند و گاه با شهره کردن فرد، درس عبرتی به دیگر کارگزاران می داد. این مجازات در مورد ابن هرمة که مأمور مراقبت و نظارت بازار اهواز بود، به جرم



رشته خواری اش اجرا شد: «إذا قرأت کتابی فتح ابن هرمة عن السوق وأوقفه للناس واسجنه وناد عليه واكتب إلى أهل عملک تعلمهم رأيی فيه؛ هنگامی که نامه مرا خواندی، ابن هرمة را از نظارت بازار برکنار دار، او را به مردم معرفی کن، به زندانش افکن، رسوایش ساز و به همه بخش‌های تابع اهواز بنویس که من این‌گونه عقوبتی برای او معین کرده‌ام» (به نقل از: دانشنامه امام علی علیه السلام، ۱۳۹۹، ۱/ ۱۵۶۳). امام علی علیه السلام این شیوه جزایی را به فرماندهان خود نیز سفارش می‌نمود تا در برابر مجرمان، به کار گیرند و از به وجود آمدن ناهنجاری‌های ناشی از جرایم کارگزاران جلوگیری نمایند.

در سیاست کیفری علی علیه السلام، دو رویکرد تنبیهی و اصلاحی مشهود است: در رویکرد تنبیهی، قطعیت مجازات‌ها و در رویکرد اصلاحی، عفو و عدم ملامت مجرمان و پرهیز از برچسب‌زنی، از مهم‌ترین مشخصه‌های سیاست کیفری علوی است (غفاری المشرقی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۸۴). در خصوص سیاست کیفری از جرایم یقه سفیدها نیز بر اجرای علنی مجازات‌ها، قاطعیت، شدت و مساوات در اجرای کیفرها به عنوان عناصر پررنگ راهبرد کیفری علوی می‌توان اشاره کرد. باید توجه داشت که نقاط ضعف بسیاری از اندیشه‌های بشری در حوزه کیفرشناسی انتقادی و نقد سختگیری بر فقرا و نقد جرم‌انگاری فقر نشان می‌دهد که اغلب این نظریات غربی، با آزمون و خطا، سعی در اصلاح داشته‌اند، در حالی که «در خطبه‌ها و نامه‌ها و بیانات امام علیه السلام اقشار آسیب‌پذیر همواره مورد توجه بوده و امام علیه السلام به واسطه تربیت و آموزش حقوق انسانی‌شان مانع تبعیض بین افراد شده‌اند» (حسینی و همکاران، ۱۴۰۰: ۹۲). این آموزه‌های در سیاست کیفری علوی، پیشرفته‌تر - از حیث عدم آزمون و خطا و ارائه گزاره‌های علمی متقن در تأثیر تعادل بین مجازات و ارفاق، بر پیشگیری از جرائم انتقامی فقرا علیه اغنیا به دلیل تبعی ساختاری اجتماعی - از مبانی برخی نظریات کیفرشناسی غربی محسوب می‌شود. در مسیر همین اندیشه تعادل‌گرا و متعادل میان کیفرگرایی سزامدار و کیفرگرایی اصلاح‌مدار (بازپرورانه) بوده که امام علی علیه السلام می‌فرماید: «از قضاات خود و نحوه کار آنها خبر گیر و بر عملکرد آنها نظارت کن» (به نقل از: انصاریان، ۱۳۷۹: ۵۷۶)؛ زیرا تعادل و عدم نوسان میان سزاگرایی و بازپروری‌مداری امری سخت و ظریف است و نیازمند نظارت چندلایه‌ای و سلسله‌مراتبی کارگزاران قضایی حکومت اسلامی است.

نتیجه‌گیری

از منظر حقوق کیفری اسلامی، سیاست کیفری امام علی (ع) یکی از نمونه‌های کامل و متمایز در تاریخ اندیشه کیفری اسلام به‌شمار می‌آید. ایشان هم در مقام نظری و هم در مقام عمل (به‌ویژه در دوران حکومت پنج ساله) الگوی جامعی از عدالت کیفری ارائه دادند که مهم‌ترین ویژگی‌های آن را می‌توان در چهار محور اصلی چنین خلاصه کرد:

(۱) پیشگیری از جرایم؛ از حیث شاخص توجه به عدالت اجتماعی و اقتصادی، امام (ع) ریشه‌های جرم را در فقر، تبعیض و بی‌عدالتی می‌دید و با سیاست‌های اقتصادی (مانند تقسیم عادلانه بیت‌المال و مبارزه با فساد مالی کارگزاران) بستر وقوع جرم را محدود می‌کرد. از حیث شاخص نظارت مستمر بر کارگزاران و کارمندان حکومت، ایشان از طریق انتصاب افراد امین، سفارش به تقوا و مراقبت از رفتار آنان، نظارت پیشگیرانه از انحرافات و جرایم اتخاذ می‌نمود. از حیث شاخص تربیت اخلاقی و معنوی جامعه، ایشان با خطبه‌ها، نامه‌ها و توصیه‌ها به مردم و کارگزاران، ارزش‌های دینی را تقویت می‌کرد و زمینه‌های جرم‌زایی را می‌کاست. همچنین از حیث شاخص پیشگیری فرهنگی-ارشادی، امام علی (ع) به جای تهدید صرف با مجازات، بر آگاهی‌بخشی، پند و اندرز و نصیحت تأکید داشت.

(۲) دادرسی عادلانه؛ از حیث شاخص برابری همگان در برابر قانون، امام (ع) هیچ تفاوتی میان اشراف و عوام، مسلمان و غیرمسلمان (ذمی) در مقام دادرسی قائل نبود؛ حتی در دعوای خود با یک یهودی نزد قاضی حضور یافت. از حیث معیار استقلال قاضی و منع دخالت قدرت سیاسی، ایشان بارها تأکید داشتند که قاضی باید بر اساس دلیل و برهان قضاوت کند نه بر اساس میل حاکم. از حیث رعایت حق دفاع متهم، امام (ع) تأکید داشت که متهم باید فرصت کافی برای دفاع از خود داشته باشد و بدون دلیل شرعی و بینه محکوم نشود. همچنین از حیث شاخص اصل برائت و احتیاط در حدود، ایشان در موارد شک و شبهه اجرای حدود را منع می‌نمود.

(۳) تنوع در مجازات‌ها؛ از جهت معیار تناسب جرم و مجازات، سیاست کیفری ایشان چنان بود که مجازات‌ها متناسب با نوع جرم و شخصیت بزه‌کار تعیین می‌شد. از حیث توجه به مراتب و انواع مجازات‌ها، امام (ع) از نصیحت، تذکر و تعزیرات سبک شروع می‌کرد و تا حدود و قصاص در جرایم شدید ادامه می‌داد. در مقوله مجازات‌های اصلاحی-تربیتی، ایشان در بسیاری موارد به جای اعمال سختگیری کیفری و قهر و غلبه کیفرگرا و سزاحور، مجازات‌هایی با کارکرد تربیتی و بازپروری اعمال می‌نمود. همچنین از حیث شاخص تعدد ابزارها، امیر مؤمنان (ع) از عفو، تعزیر، تبعید، جریمه مالی تا اجرای حدود و قصاص، بسته به شرایط و آثار جرم، سیاست کیفری متنوعی داشت.



۴) تأمین اهداف متنوع عدالت کیفری؛ از حیث شاخص تحقق عدالت الهی، سیاست کیفری علوی بر اساس قرآن و سنت، اجرای عدالت را غایت اصلی نظام کیفری مقرر نمود. همچنین از حیث شاخص حفظ نظم و امنیت اجتماعی، اجرای به موقع حدود و مجازات‌ها را تضمینی برای ثبات و امنیت عمومی می‌دانست. سیاست کیفری علوی در شاخص اصلاح و تربیت مجرم، هدف حقوق کیفری را صرفاً انتقام نمی‌دانست، بلکه همواره اصلاح فرد و بازگشت او به جامعه مدنظر بود. در شاخص بازدارندگی و پیشگیری عمومی، اجرای عادلانه کیفرهای حدی در سلوک قضایی امام علی (ع) موجب عبرت و پیشگیری از جرایم در سطح اجتماعی می‌شد. در شاخص حمایت از حقوق بزه‌دیدگان نیز امام (ع) به احقاق حق مظلوم و جبران خسارت او توجه ویژه داشت.

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت سیاست کیفری امام علی (ع) بر پایه عدالت، رحمت، پیشگیری، اصلاح و تنوع در مجازات‌ها بنا شده بود؛ به گونه‌ای که ضمن حفظ نظم عمومی و اجرای حدود الهی، کرامت انسانی و مصالح اجتماعی نیز در بالاترین سطح رعایت می‌شد. دعوت کارگزاران به مدارا و قاطعیت، قاطعیت در اجرای عدالت و نفی تبعیض، اجرای عدالت و قاطعیت در برابر تخلف کارگزاران، قاطعیت در اجرای احکام و قوانین الهی، قاطعیت در برابر تخریب‌کنندگان فرهنگ اسلامی و باورهای دینی و شدت عمل نسبت به معترضان و منتقدان توطئه‌گر و اوج مدارا بر مجرمین قابل اصلاح و کم‌خطر، نمونه‌های عینی از تلاقی زیبا و حکیمانه قاطعیت با مدارا، در سیاست و قضاوت امام (ع) است. در سیاست کیفری علوی، سزادهی در اجرای کیفرهای ثابت حدی، و بازپروری در اجرای تعزیر، در اوج تعادل بوده و یک سیاست کیفری متوازن و جامع با رعایت مصالح و اهداف متنوع فردی و جمعی، ظرفیت اصلاح بسیاری از اشکالات نظام مدرن حقوق کیفری جمهوری اسلامی ایران و کشورهای اسلامی الگوبردار از حقوق کیفری ایران را داراست.

فهرست منابع

۱. اسلامی‌نیا، قاسم؛ کوشکی، غلامحسین؛ سیفی، داود، «استتابة در سياست جنایی امام علی (ع)»، مبانئ، کارکردها و نمودها، فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری، دوره ۲۰، ش ۲۵، ۱۴۰۲.
۲. انصاریان، حسین، ترجمه نهج البلاغه، تهران: پیام آزادی، ۱۳۷۹.
۳. جاویدی، مجتبی؛ کاظمی، رحیم؛ آتشی، زهرا، «روش‌شناسی مواجهه امام علی (ع) با محرمات فاقد کیفر معین: نقدی بر اطلاق قاعده «التعزیر لکل حرام»»، پژوهش‌نامه علوی، دوره ۱۳، ش ۲۵، ۱۴۰۱.
۴. جعفری، فریدون، «عدالت کیفری از دیدگاه علوی»، پژوهشنامه نهج البلاغه، دوره ۱، ش ۴، ۱۳۹۲.
۵. حاجی ده‌آبادی، محمدعلی؛ عسکری، موسی، «مبانی و اصول عدال علوی در مواجهه با بزه‌دیده با تأکید بر بزه‌دیدی ساختاری»، فصلنامه پژوهش‌های نهج البلاغه، دوره ۲۳، ش ۴، ۱۴۰۳.
۶. حرّ عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه إلی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۱۶، قم: مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۹ق.
۷. حسینی، سیدمحمد؛ ترابی، محمد؛ رضوی، سیدمحمد؛ حبیبی سوادکوهی، صابر، «مطالعه تطبیقی جایگاه اقشار آسیب‌پذیر از دیدگاه دولت علوی با حقوق بشر و جامعه بین‌المللی»، پژوهشنامه علوی، دوره ۱۲، ش ۲۴، ۱۴۰۰.
۸. خنیفر، حسین، «ارائه الگوی مدیریت بومی مبتنی بر دیدگاه امام علی (ع) با استفاده از مدل مفهومی سه‌شاخگی»، فصلنامه مدیریت فرهنگ سازمانی، دوره ۳، ش ۱، ۱۳۸۴.
۹. دلماس‌مارتی، می‌ری، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: نشر میزان، ۱۴۰۲.
۱۰. رایجیان اصلی، مهرداد؛ خاقانی اصفهانی، مهدی، «مدل‌شناسی عدالت جنایی در سیره امام علی (ع)»، به سوی الگوی سیاست جنایی علوی، فصلنامه فقه جزای تطبیقی، دوره ۱، ش ۴، ۱۴۰۰.
۱۱. گروهی از پژوهشگران، دانشنامه امام علی (ع)، به کوشش علی‌اکبر رشاد، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۹.
۱۲. رضایی، مهران؛ میراحمدی، منصور، «تناسب عدالت و قدرت با تداوم نظام سیاسی در کلام نهج البلاغه»، فصلنامه پژوهش‌های نهج البلاغه، دوره ۱۷، ش ۳، ۱۳۹۷.
۱۳. رستمی، هادی، «تقابل وظیفه‌گرایی و غایت‌گرایی فایده‌محور در توجیه کیفر»، پژوهشنامه حقوق کیفری، دوره ۷، ش ۲، ۱۳۹۵.
۱۴. زرگوش‌نسب، عبدالجبار؛ عباسی، حشمت‌اله، «علل و موجبات جرم و راهبردهای مقابله با آن در نهج البلاغه»، پژوهشنامه علوی، دوره ۱۱، ش ۲۱، ۱۳۹۹.



۱۵. صمدوند، سجاد؛ طالب‌زاده، حمید، «واکاوی رهیافت‌های پیشگیرانه از جرم از منظر آموزه‌های نهج البلاغه»، پژوهشنامه علوی، دوره ۱۲، ش ۲۴، ۱۴۰۰.
۱۶. عطاشنه، منصور؛ کیانی، امین، «عدالت ترمیمی در اندیشه امام علی (ع)»، پژوهشنامه نهج البلاغه، دوره ۷، ش ۲۷، ۱۳۹۸.
۱۷. غفاری‌المشیری، عیسی؛ اسماعیلی، مهدی؛ حاجی‌تبار فیروزجایی، حسن، «سیاست کیفری مقابله با جرایم یقه سفیدان در گفتار و سیره امام علی (ع)»، فصلنامه کارآگاه، دوره ۱۵، ش ۵۶، ۱۴۰۰.
۱۸. فولادی، حفیظ‌الله؛ محسنی تبریزی، علیرضا، «مجازات، آخرین راهکار کنترل انحرافات اجتماعی با تأکید بر دیدگاه امام علی (ع) در نهج البلاغه»، فصلنامه نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، دوره ۵، ش ۲، ۱۳۹۴.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۷، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ ق.
۲۰. گلی، لیلا؛ توجهی، عبدالعلی، «ملاک‌های دخیل در جرم‌انگاری رفتارها و تعیین مجازات با رویکردی به برخی از آموزه‌های علوی (در قلمرو تعزیرات)»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۷، ش ۱۲۲، ۱۴۰۲.
۲۱. مرویان حسینی، سیدمهدی؛ سلطانی، عباسعلی، «مجازات سبّ معصومان و چگونگی رفع تعارض آن با سیره عملی ایشان»، فصلنامه فقه و اصول، دوره ۵۱، ش ۲، ۱۳۹۸.
۲۲. موسوی بجنوردی، سیدمحمد؛ روحانی، سمیه، «شاخصه‌های عدالت قضایی از منظر امیرالمؤمنین علی (ع) با رویکردی بر آراء امام خمینی»، پژوهشنامه متین، دوره ۱۴، ش ۵۴، ۱۳۹۱.
۲۳. میرخلیلی، سید محمود؛ حسنی، محمد، «سیاست جنایی افتراقی در سنت علوی با تأکید بر عهدنامه مالک»، فصلنامه حقوق اسلامی، دوره ۱۵، ش ۵۸، ۱۳۹۷.
- نوبهار، رحیم، سیاست جنایی شفاهی ایران بر اساس مصاحبه با اساتید و پژوهشگران (کیفرگذاری و کیفردهی)، ج ۴، تهران: نشر میزان، ۱۴۰۳.